

PIP FACTORY

SMC SERIES



مترجم

رامین محمدنژاد

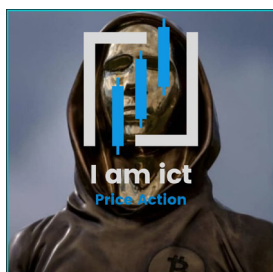
TELEGRAM CHANNELS:

T.ME/TOBEATRADER

T.ME/IAMICTFX



ورود به سبک Pip Factory



T.ME/IAMICTFX



T.ME/TOBEATRADER

این مجموعه آموزشی **کاملاً رایگان** در کانال تلگرامی

@ToBeaTrader

در اختیار همه قرار داده شده و حقوق آن محفوظ است

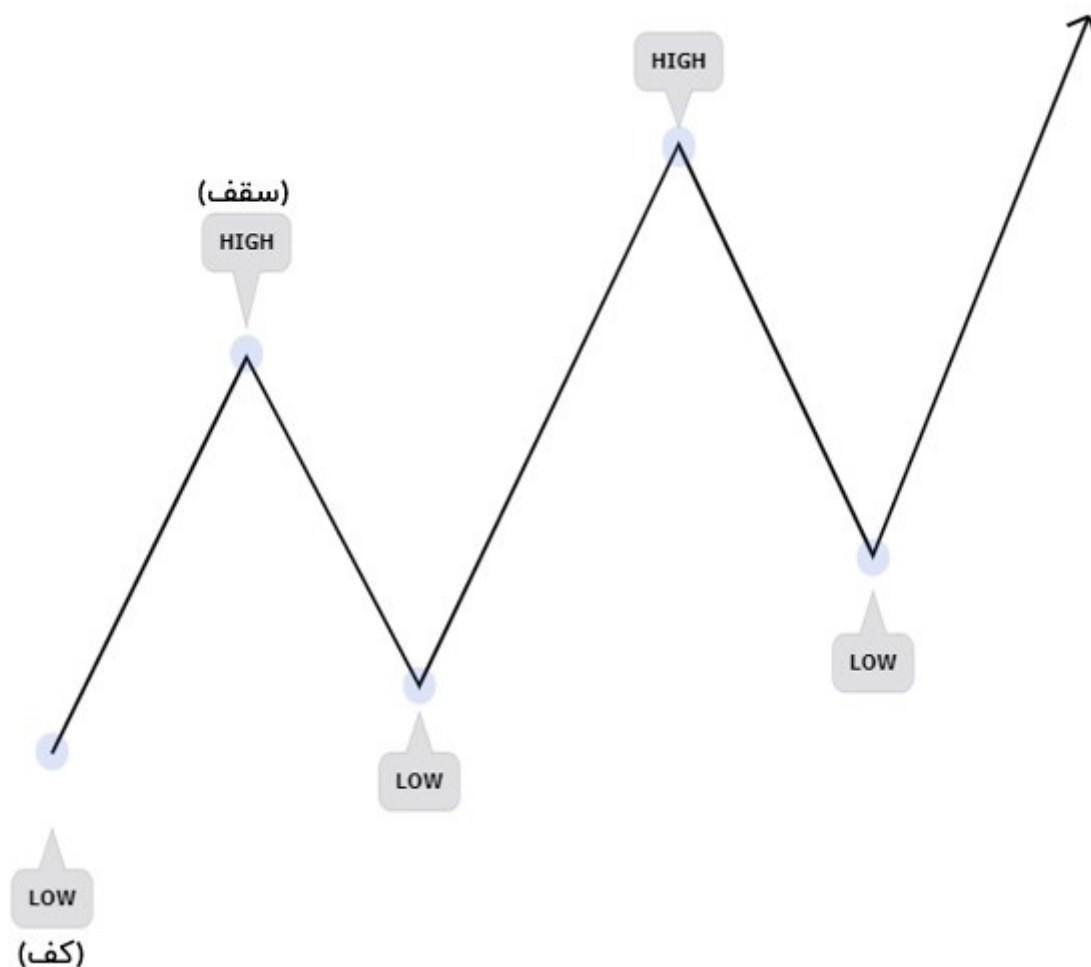
فهرست مطالب

- نحوه‌ی تعیین ساختار
- نحوه‌ی ترسیم بلوک‌های عرضه و تقاضا
- شناسایی نقدینگی
- روش‌های ورود به معامله
- تاییدیه‌های ورود به معامله
- نحوه‌ی مدیریت یک معامله
- نمونه‌های معامله
- آپشن‌های مالی و بدانید که چه زمانی آماده هستید



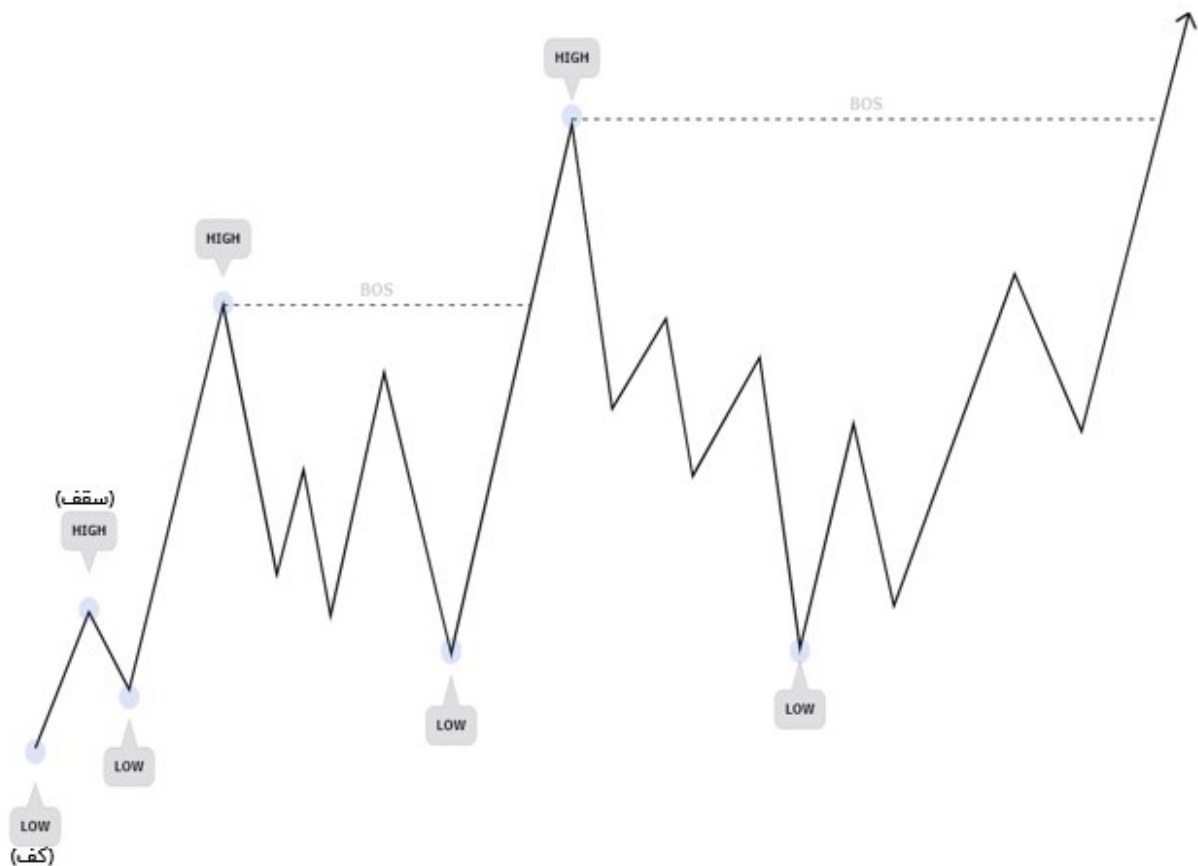
نحوه‌ی تعیین ساختار

زمانی که در بازارها معامله می‌کنید، ساختار کلیدی‌ترین فاکتور می‌باشد. ساختار بازار به شما کمک می‌کند تا بدانید در چه روندی هستید و در کدام جهت باید معامله کنید. من شخصاً دوست دارم ساختار سوئینگ را ترسیم کنم. بنابراین من با این کار گیج نمی‌شوم و در واقع به ۲ تایم فرم 4H و 15m برای تعیین و ترسیم ساختار، پایبندم.

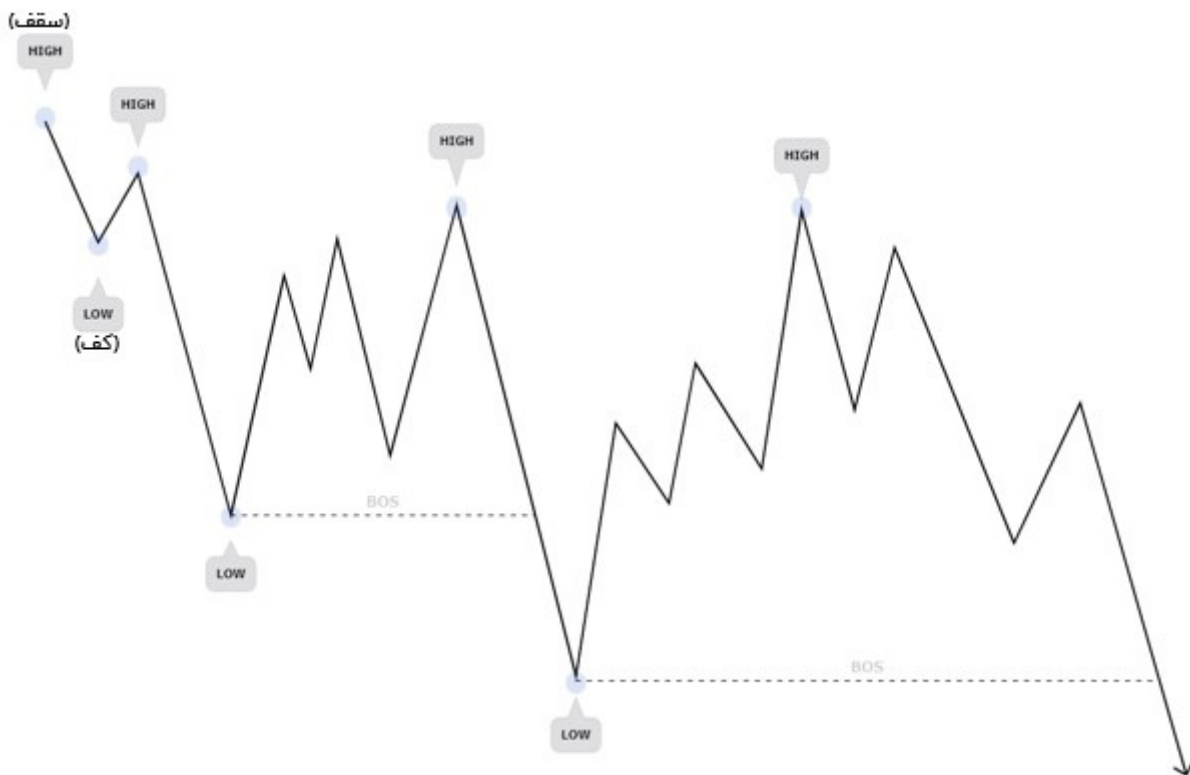


در اینجا یک نمودار ساده از نحوه‌ی تعیین ساختار وجود دارد. هنگامی که شکست یک سقف (HIGH) اتفاق می‌افتد، به دورترین نقطه‌ی آخرین گام حرکتی قبل از شکست که در آن قرار داریم، برمی‌گردیم و آن کف (LOW) را علامت گذاری می‌کنیم. سپس وقتی که به پولبک با اندازه‌ی مناسب و متناسب در مقایسه با اندازه‌ی گام شکست رسیدیم، می‌توانیم سقف (HIGH) را نیز مشخص کنیم. بعد از این هر بار که با شکست مواجه شدید، این مراحل را تکرار کنید.



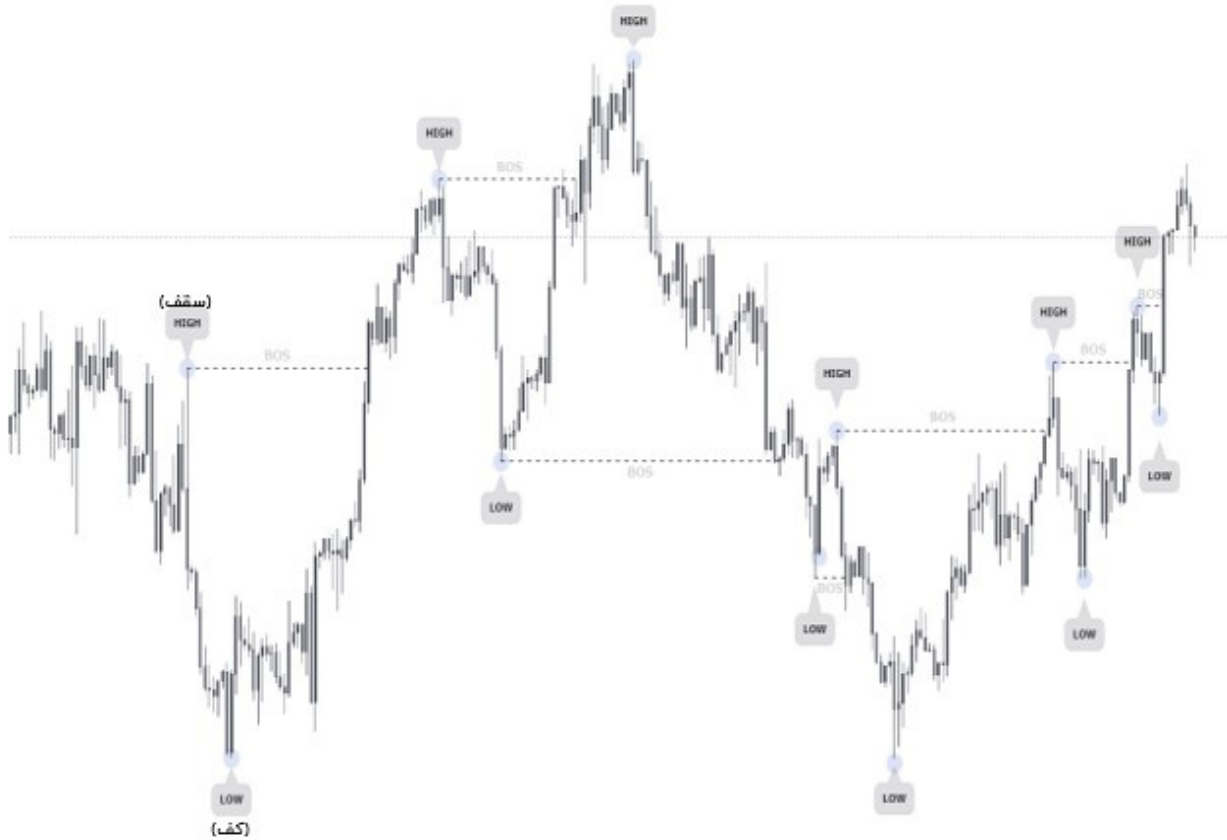


حالا بیایید به یک نمودار واقعی‌تر نگاه کنیم. همانطور که همه‌ی ما می‌دانیم، بازارها با یک الگوی ساده‌ی ۳-۲-۱ (یک دو سه) حرکت نمی‌کنند. زمان‌هایی وجود خواهد داشت که پولبک بسیار پیچیده‌تر خواهد بود. به هر حال همان قوانین اعمال می‌شود. هنگامی که BOS دارید، به دورترین نقطه‌ی آخرین گام حرکتی قبل از شکست که در آن قرار داریم برگردید، حال اینجا دقیقاً کف (LOW) ما می‌باشد. سپس وقتی که به پولبک با اندازه‌ی مناسب و متناسب در مقایسه با اندازه‌ی گام شکست رسیدید، می‌توانید سقف (HIGH) را نیز مشخص کنید.



تمام مطالب مذکور برای یک وضعیت نزولی نیز صادق است. در عوض، هنگامی که شکست یک کف (LOW) اتفاق می‌افتد، به دورترین نقطه‌ی آخرین گام حرکتی قبل از شکست که در آن قرار دارید برگردید، و آن سقف (HIGH) را علامت گذاری کنید. سپس وقتی که به پولبک با اندازه‌ی مناسب و متناسب در مقایسه با اندازه‌ی گام شکست رسیدید، می‌توانید کف (LOW) را نیز مشخص کنید.

آخرین چیزی که من از ساختار بازار برای آن استفاده می‌کنم این است که، بدانم بسته به محلی که در روی گام حرکتی قرار داریم، چه کاری باید انجام دهم. از لحاظ تئوری، زمانی که ما یک سقف یا کف را می‌شکنیم، باید انتظار یک پولبک را داشته باشیم، بنابراین در این هنگام من به دنبال یک معامله با هدف بازگشت به BOS خواهم بود، که این یک معامله در خلاف جهت حرکت روند محسوب می‌شود. از نظر تئوری زمانی که پولبک انجام می‌دهیم، ما باید شروع به جستجوی مناطق احتمالی کنیم که بتوانیم حرکت روند اصلی را ادامه دهیم. من معاملات در جهت حرکت روند اصلی خود را برای مدت طولانی‌تری نسبت به معاملات در خلاف جهت حرکت روند باز نگه می‌دارم، زیرا آنها احتمال بالایی دارند که بیشتر پیش بروند.



در اینجا نمونه‌ای از نحوه‌ی واقعی تعیین ساختار در بازارهای لایو (زنده) آورده شده است. اکنون ما باید منتظر یک پولبک باشیم تا معاملات با هدف برگشت به شکست، منطقی باشد.



نحوه ترسیم ناحیه‌ی عرضه و تقاضا

اکنون که ما می‌دانیم چگونه تعیین کنیم که در چه جهتی باید معامله انجام بدهیم، مرحله‌ی بعدی این است که باید بدانیم، از کجا معامله را انجام بدهیم. من خودم نواحی تقاضا یا عرضه را مشخص می‌کنم و سپس منتظر می‌مانم تا قیمت به آنها برسد و معامله انجام دهم. برای اینکه سریعاً توضیح دهم که عرضه و تقاضا چیست، نمودار زیر را برای شما آماده کرده‌ام.



ناحیه‌ی تقاضا آخرین کندل نزولی قبل از شکست ساختار فرعی (Substructure) می‌باشد. و ناحیه‌ی عرضه آخرین کندل صعودی قبل از شکست ساختار فرعی (Substructure) می‌باشد.

من شخصاً وقتی که نواحی عرضه و تقاضا را انتخاب می‌کنم، دوست دارم آن کندلی که ناحیه را برای من ساخته، اینگالف (Engulf) شود. منظور من این است که، کندل بعدی در سمت راست باید بالای شدوی یک کندل صعودی و زیر شدوی یک کندل نزولی بسته شود.

زمانی که به دنبال این نواحی می‌گردم، از تایم فرم 4H به عنوان HTF (تایم فرم بالاتر) شروع می‌کنم تا نواحی تقاضای خود را ترسیم کنم، حتی اگر آنها اینگالف نشده باشند. سپس کاری که من انجام خواهم داد این است که، در تایم فرم‌ها چرخ بزنم تا زمانی که یک مورد اینگالف شده را پیدا کنم که باب میل من باشد. این می‌تواند به این معنی باشد که، من به دنبال هر چیزی از تایم فرم 8H تا تایم فرم 2H یا 30m هستم.





در بالا نشان داده‌ام که چگونه ناحیه‌ی تقاضا در تایم فرم 4H اینگالف نشده است، بنابراین من به تایم فرم 3H رفتم و شد. سپس قیمت از آنجا آمد و معامله شد تا با عبور از سقف‌ها، آنها را از میان بردارد. این موضوع در زمانی که به مبحث روش ورود به معامله‌ی من خواهیم رسید، مهم خواهد بود.

من این مراحل و گام‌ها را در تایم فرم 15m نیز تکرار خواهم کرد. هرچه تایم فرم، بالاتر باشد، شما می‌توانید انتظار بیشتری از معامله داشته باشید. به عنوان مثال، وقتی قیمت وارد یک ناحیه‌ی مربوط به تایم فرم 4H می‌شود، من شخصاً مقداری از حجم معامله‌ام را نگه می‌دارم، زیرا می‌تواند یک سقف/کف جدیدی ایجاد کند که در این مسیر، نواحی مربوط به تایم فرم 15m، فقط ممکن است باعث اصلاح شود. البته این موضوع یک اتفاق مشروطی می‌باشد و مواقعی وجود خواهد داشت که یک ناحیه‌ی مربوط به تایم فرم 15m، به دلیل فاکتورهای متفاوت دیگری، سقف جدیدی ایجاد می‌کند.

شناسایی نقدینگی

بازارها برای حرکت به نقدینگی نیاز دارند، و من شخصاً آن را مانند سوخت برای یک خودرو می‌دانم. بازار بدون سوخت (نقدینگی) کار نمی‌کند، اما اگر فقط هم صرفاً سوخت داشته باشید به جایی نخواهید رسید. منظور من این است که، شما نباید فقط به این دلیل که نقدینگی بالا یا پایین بازار وجود دارد وارد معاملات شوید، باید فاکتورهای دیگر را نیز در نظر داشته باشید. همانطور که ذکر شد، نقدینگی در همه جا وجود دارد، اما رایج‌ترین نوع آن سقف‌های برابر و کف‌های برابر می‌باشد. تئوری پشت این موضوع این است که، وقتی معامله‌گران خرد یک سقف دوقلو (سقف‌های برابر) می‌بینند، در برگشت مجدد قیمت به آن سطح، به دنبال فروش خواهند بود، چرا که از دیدگاه آنها، سطح مذکور به عنوان یک سطح قوی تلقی می‌شود.

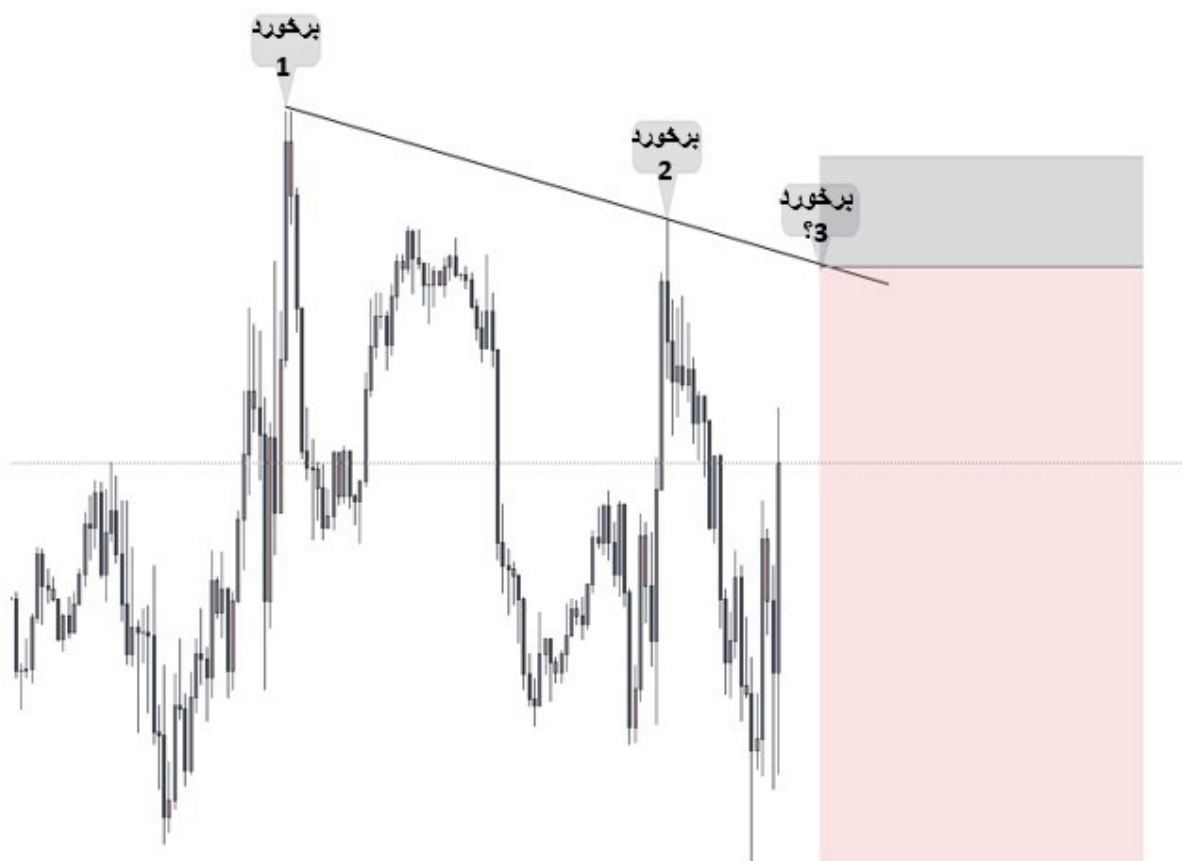


اگر تعداد زیادی از معامله‌گران این را ببینند، همه‌ی آنها سفارشات Limit خود را به همراه حد ضررهایشان (SL)، درست بالاتر از سقف‌ها قرار می‌دهند. این همان چیزی است که نقدینگی ایجاد می‌کند و قیمت به دنبال حد ضررهای (SL) آنها می‌گردد تا به منظور سوخت رسانی به حرکت خود، آنها را نقد کند.

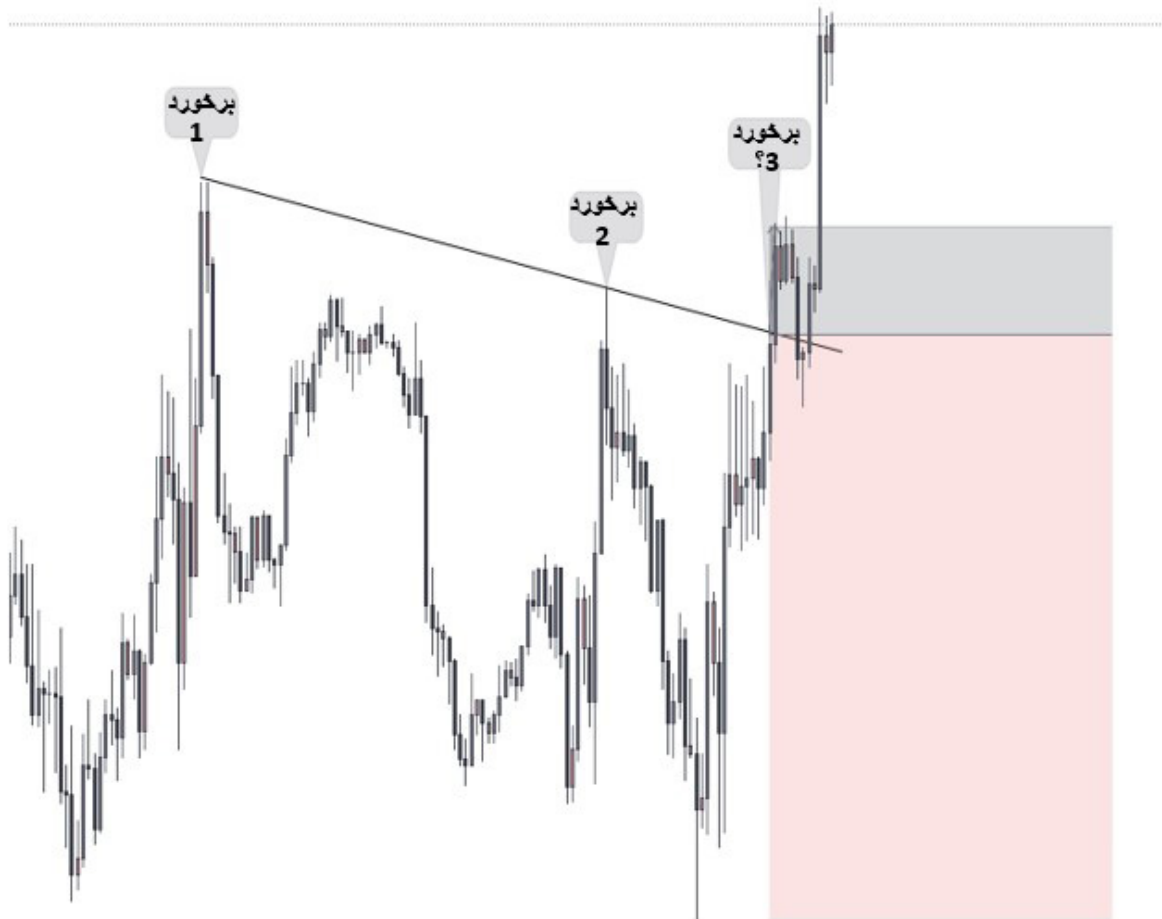


در اینجا ما می‌توانیم ببینیم که قیمت می‌رود و حد ضررها را شکار می‌کند و برای حرکت خود به سمت بالا و صعود سوخت رسانی می‌کند. اگر ما در یک معامله بودیم، می‌توانستیم این مکان را مکان خوبی به عنوان هدف، برای نقد کردن بخشی از معامله‌ی خود بدانیم.

نوع دوم نقدینگی که من از آن استفاده می‌کنم، نقدینگی خطوط روند است. برای تشخیص این موضوع، من دوست دارم خطوط روند واقعاً واضحی را که معامله‌گران خرد می‌بینند، ترسیم کنم. همه‌ی ما می‌دانیم که معامله‌گران خرد دوست دارند سومین برخورد قیمت به خط روند را با حد ضرر زیر/بالای آن به این صورت معامله کنند.

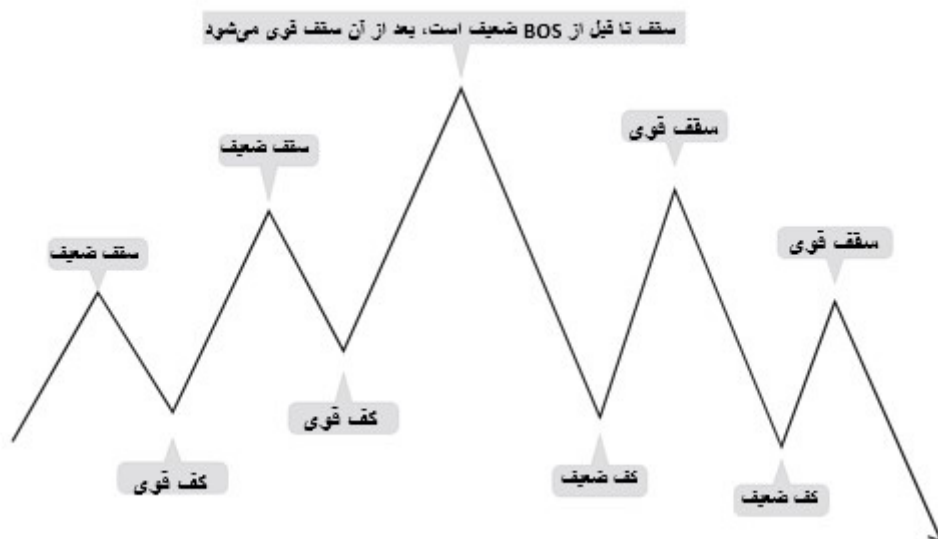


اما بعد از آن قیمت می‌آید و سریعاً از خط روند عبور کرده و نقدینگی را جمع‌آوری می‌کند.



با این حال، اگر هنوز در یک معامله هستید، می‌توانید برخورد ۱ را به عنوان مکان خوبی برای برداشت سود (TP) هدف قرار دهید، یا حداقل مقداری از حجم معامله‌ی خود را کم کنید.

آخرین نوع نقدینگی که من از آن استفاده می‌کنم، نقدینگی ساختاری است، که بهتر است به عنوان سقف‌ها/کف‌های ضعیف شناخته شود. این مفهوم پیرو مفهوم جریان سفارشات انتظاری می‌باشد. در صفحه‌ی بعد، نموداری از نحوه‌ی عملکرد نقدینگی ساختاری داریم.



اگر در یک روند صعودی هستیم، هر بار که یک پولبک داریم، باید انتظار داشته باشیم که قیمت، زمانی که تصمیم می‌گیرد روند را ادامه دهد، آن سقفی را که پولبک از آنجا شروع کرده بود، از میان بردارد و از آن عبور کند. آن سقف به این دلیل ضعیف دیده می‌شود که BOS ایجاد نکرده است، و بنابراین باید حذف شده و از میان برداشته شود. به محض ایجاد شدن یک BOS توسط یک سقف، روند نزولی ما شروع می‌شود و اکنون کف‌ها ضعیف و سقف‌ها قوی دیده می‌شوند.

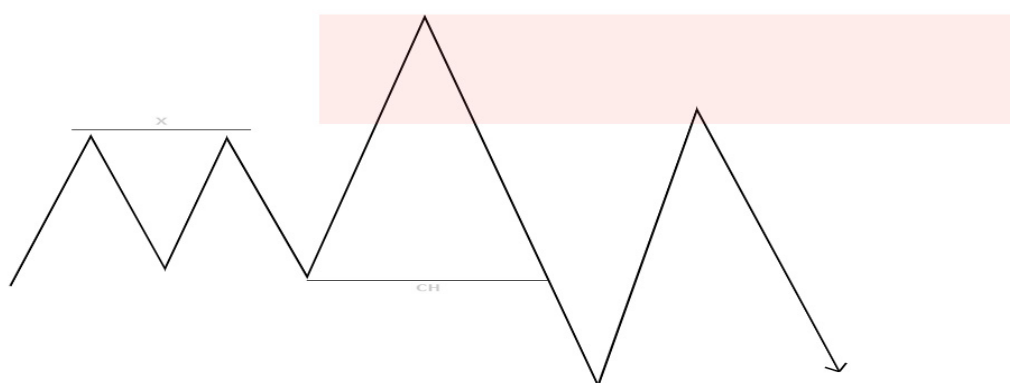


در اینجا مثالی داریم از این که چگونه می‌توانید از آن در بازار واقعی استفاده کنید. این روش با استفاده از 50% ناحیه‌ی عرضه/تقاضا می‌باشد تا اندازه‌ی حد ضرر خیلی بزرگ نشود، اما احتمالاً تأیید تایم فرم پایین (LTF) نیز در این نواحی وجود خواهد داشت. در هر صورت همانطور که در اینجا می‌بینید، هنگامی که شروع به ادامه دادن روند می‌کنید، شما می‌توانید سقف/کف پولبک را برای نقد کردن سودتان، هدف قرار دهید.

روش‌های ورود به معامله

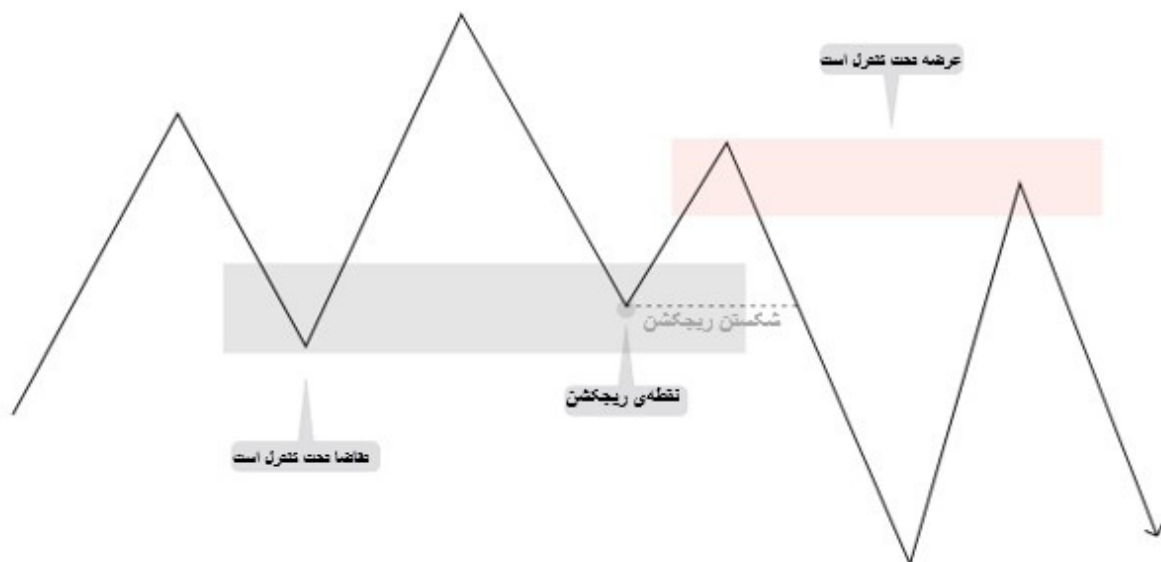
قبل از اینکه به روش‌های ورود به معامله بپردازیم، من فقط می‌خواهم بگویم که از این روش‌های ورود به معامله، تنها در ناحیه‌ی عرضه یا تقاضای تایم فرم بالاتر (HTF) استفاده خواهم کرد. به نظر من انجام معاملات در داخل این نواحی، به دلیل داشتن پشتیبانی و حمایت تایم فرم بالاتر (HTF)، از احتمال موفقیت بیشتری برخوردار است. هر چیزی خارج از این نواحی یک قمار است. من شخصاً از تمام جاهای تایم فرم 15m تا تایم فرم 1m برای ورود به معاملات در این نواحی تایم فرم بالاتر (HTF) استفاده می‌کنم.

با این اوصاف، اولین روش ورود به معامله‌ی من CHoCH است. CHoCH در واقع مخفف عبارت CHange Of Character به معنای تغییر ماهیت می‌باشد.



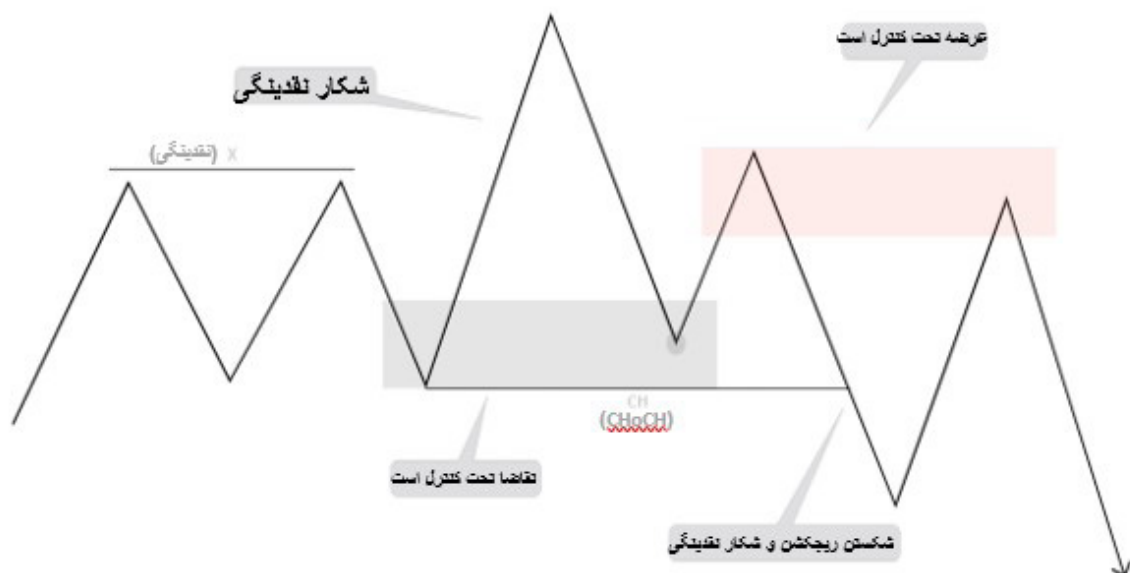
تمام چیزی که یک CHoCH نشان می‌دهد این است که، قیمت نقدینگی را شکار کرده و سپس ساختار فرعی (Substructure) را شکسته است. قیمت بعد از تشکیل CHoCH، باید ناحیه‌ی عرضه/تقاضایی ایجاد کند که در زمان برگشت مجدد قیمت به آن، حرکت ادامه دهنده‌ای در جهت CHoCH ایجاد کند. برای ورود به معامله در یک CHoCH، شما باید سفارش برای ورود به معامله‌ی خود را در مکان شروع ناحیه‌ی عرضه/تقاضا و حد ضرر (SL) را در دورترین نقطه‌ی عرضه/تقاضا قرار دهید. به هنگام تنظیم قیمت سفارش ورود به معامله یا حد ضرر (SL) معامله، فراموش نکنید که اسپرد را نیز به آنها اضافه کنید. اگر فعلاً نمی‌دانید که چگونه باید این کار را انجام دهید، نگران نباشید، چرا که ما بعداً به این موضوع خواهیم پرداخت.

دومین نوع ورود به معامله که من از آن استفاده می‌کنم، فلیپ (Flip) شدن یک ناحیه‌ی عرضه/تقاضا است. روشی که من دوست دارم آن را ببینم، تقریباً یک جنگ طناب کشی است. تیم نقاضا در مقابل تیم عرضه. در ابتدا هر دوی عرضه و تقاضا کنترل را در دست دارند، اما یک نفر باید برنده شود.



در اینجا می‌توانیم ببینیم که تقاضا تحت کنترل است و سقف‌های جدید ایجاد می‌کند. در آزمایش مجدد (برگشت دوباره قیمت) ناحیه یا بلوک تقاضا، با یک فشار حرکت رو به بالا و یک ریجکشن (عکس العمل شدید و پس زدن قیمت) مواجه می‌شویم. اما در ادامه آن ریجکشن یا واکنش قیمتی نمی‌تواند سقف جدیدی ایجاد کند، و دقیقاً این بخش، همان جنگ طناب کشی است. سپس وقتی قیمت از آن نقطه‌ی ریجکشن یا واکنش قیمتی خارج شد، عرضه پیروز شده و تحت کنترل درمی‌آید. اکنون از اینجا ما سفارش برای ورود به معامله‌ی خود را در شروع ناحیه‌ی عرضه و حد ضرر (SL) را نیز درست بالای آن قرار می‌دهیم. این نشان می‌دهد که سفارشات تغییر کرده‌اند و عرضه‌ی واقعی در بازار وجود دارد.

اکنون آنها به تنهایی می‌توانند به ستاپ‌های معاملاتی بسیار خوبی منجر شوند، اما وقتی آنها را با هم ترکیب می‌کنید، می‌توانند بسیار قدرتمندتر باشند.



برای من این ورود به معاملی ایده آل در یک ناحیهی HTF خواهد بود. اکنون اجازه دهید نگاهی به چند نمونه‌ی واقعی در بازار بیندازیم.



اینجا ما در تایم فرم 4H قرار داریم و ناحیهی تقاضای تایم فرم بالاتر (HTF) را نیز شناسایی کرده‌ایم. از اینجا به بعد، به دنبال ورود احتمالی به معامله در تایم فرم پایین (LTF) خواهیم بود.

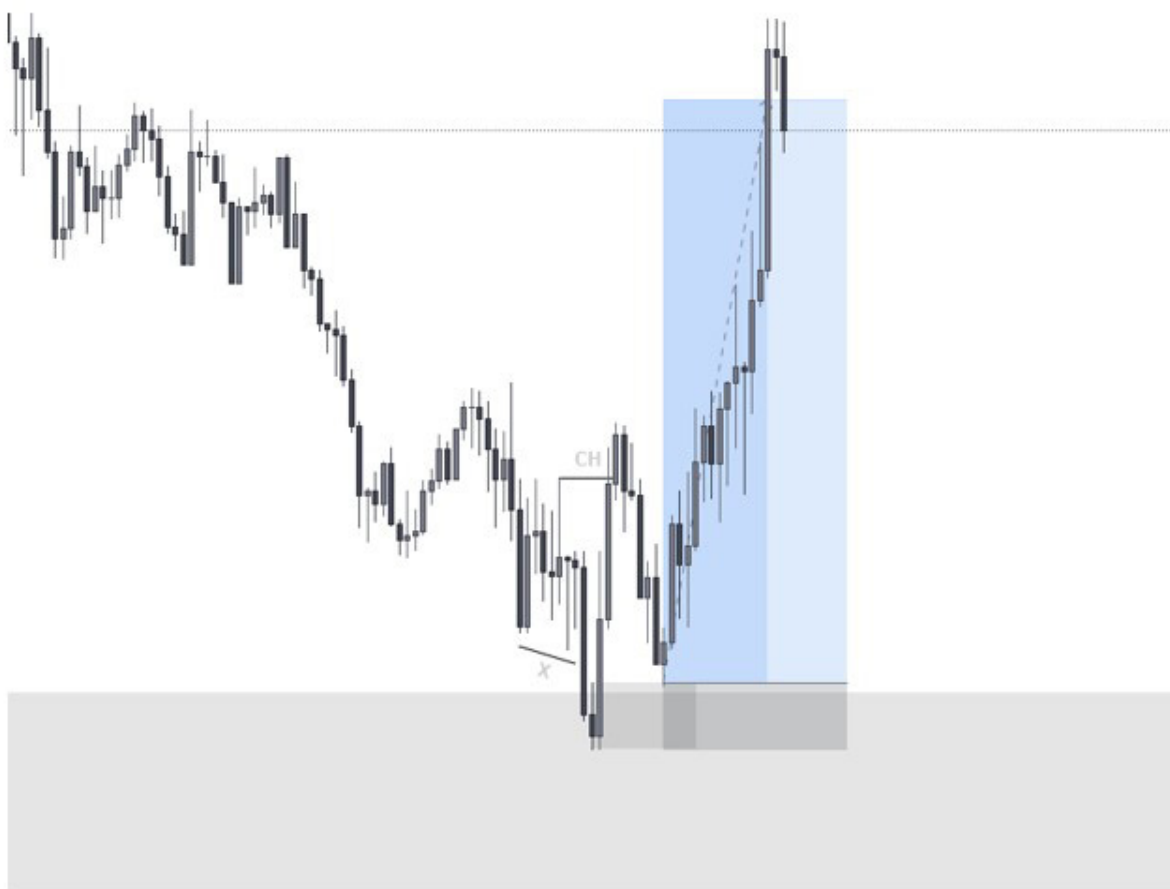




در تایم فرم 15m، قیمت مقداری نقدینگی را با ورود به ناحیه‌ی تقاضای 4H شکار می‌کند و سپس آن ناحیه را ترک می‌کند و حرکتی را که باعث شکار نقدینگی شده است را می‌شکند. در آنجا ما می‌توانیم یک سفارش Limit خرید روی ناحیه‌ی تقاضای 15m با حد ضرر (SL) دقیقاً زیر ناحیه، قرار بدهیم. برای این معامله من بالای رنج آسیا را هدف قرار داده‌ام، که بعداً در مورد آن خواهیم آموخت.



تایم فرم 15m



دقیقاً مانند تصویر بالا، قیمت به حد سود $8.7R$ (TP) می‌رسد.

اکنون اجازه دهید تا به یک فلیپ ناحیه‌ی عرضه/تقاضا نگاه کنیم. اینجا ما در تایم فرم 15m قرار داریم و به ناحیه‌ای از تقاضا رسیده‌ایم. از آنجا می‌توانیم به تایم فرم پایین (LTF) برویم و نحوه‌ی واکنش قیمت به ناحیه را نظارت کنیم.



تایم فرم 15m



در ناحیه‌ی تقاضای تایم فرم 1m با یک ریجکشن خوب مواجه شده‌ایم و بعد از آن قیمت تا یک ناحیه‌ی عرضه‌ی تایم فرم 2m بالا رفته است. سپس در اینجا با یک واکنش قیمتی مواجه می‌شویم و «جنگ طناب کشی» شروع می‌شود. از آنجا قیمت واکنش به ناحیه‌ی عرضه را از میان برمی‌دارد و روند صعودی و رو به بالا را تأیید می‌کند. اکنون ما می‌توانیم سفارش ورود به معامله را در ناحیه‌ی تقاضای جدید قرار دهیم.



تایم فرم 1m



t.me/ToBeATrader

Pip Factory

20



سپس قیمت، ما را به حرکت اضافه می‌کند و به حد سود $8.2R$ (TP) می‌رسد.

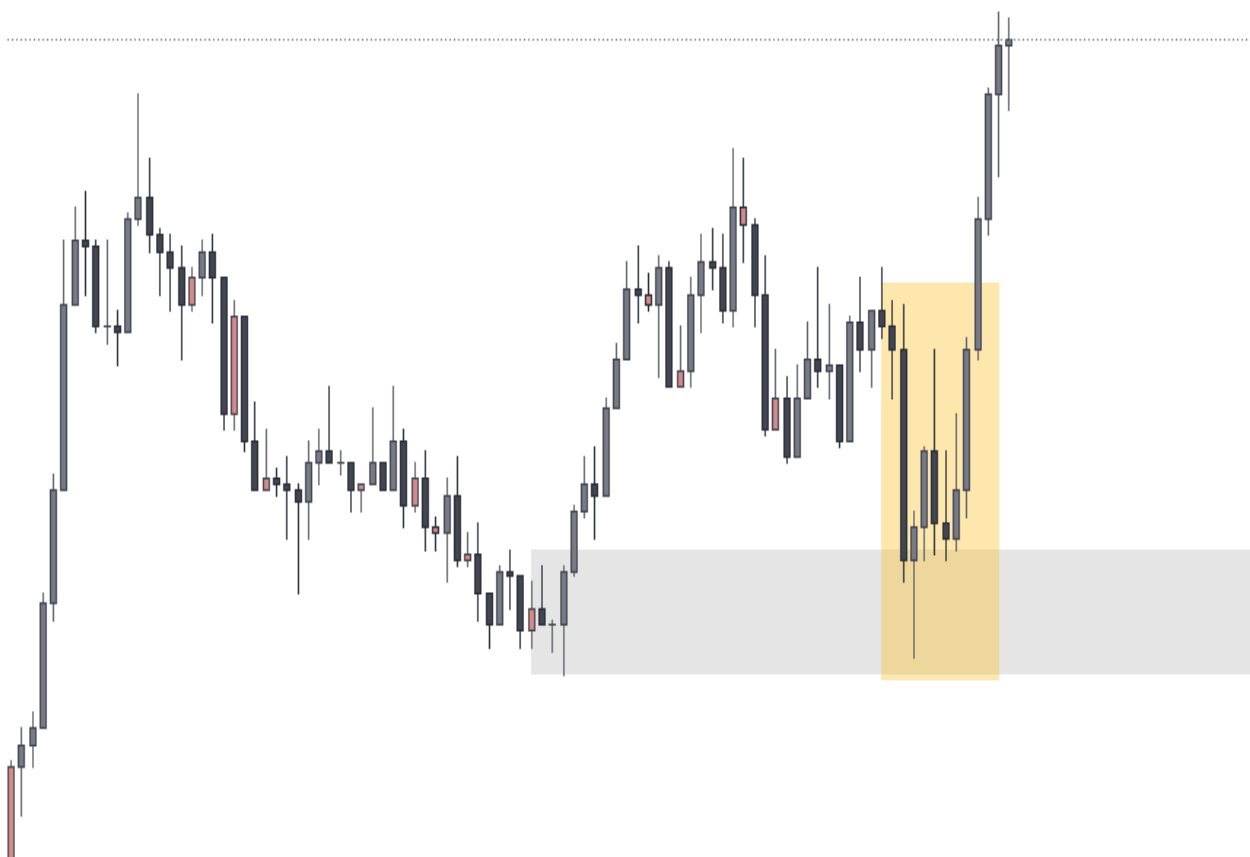
به یاد داشته باشید، هنگامی که به طور همزمان، هر دوی $CHoCH$ و فلیپ عرضه/تقاضا اتفاق می‌افتند، تقریباً ما یک ستاپ معاملاتی فوق العاده و بی‌نظیر خواهیم داشت.

تاییدیه‌های ورود به معامله

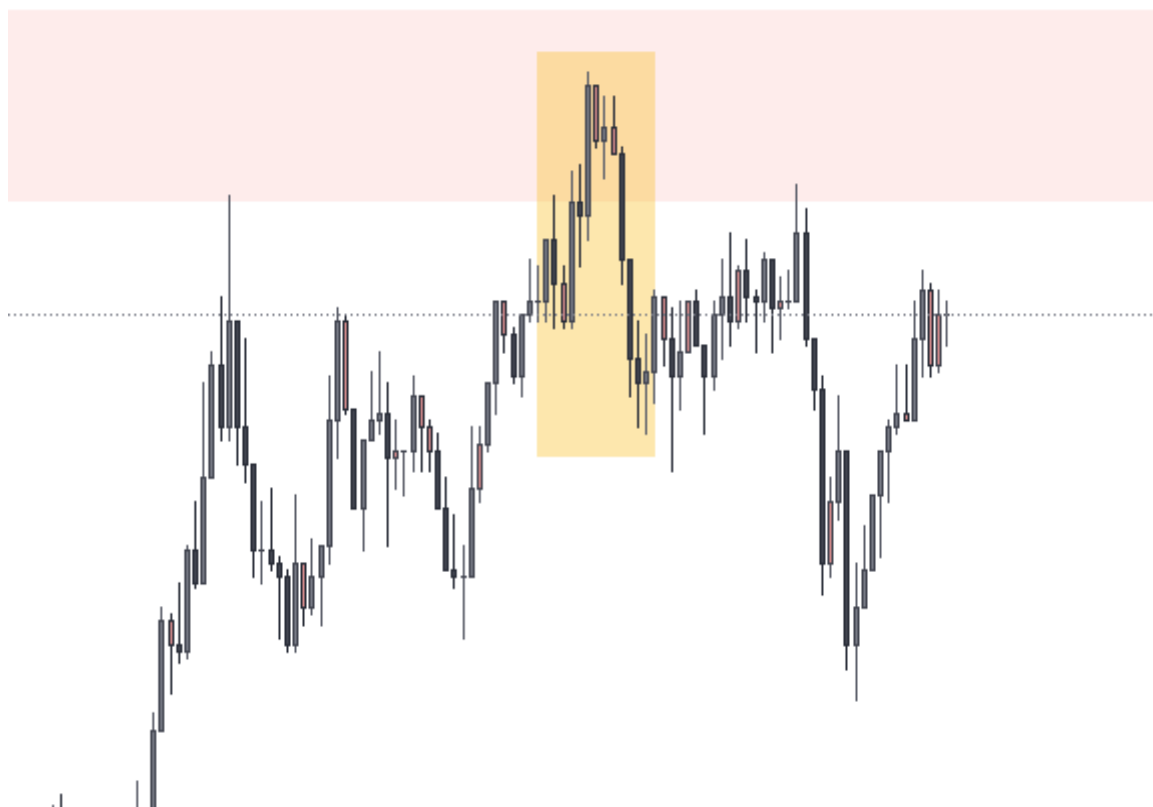
اکنون که می‌دانیم چگونه وارد معامله شویم، ما نیاز داریم تا تاییدیه‌های ورود به معامله را ایجاد کنیم، زیرا هر روش ورود به معامله به خودی خود خوب است، اما اگر چرایی اینکه دقیقاً از آن روش ورود به معامله استفاده می‌کنید، حکمت و علتی داشته باشد، آنجاست که اقدام به معامله کردن شما معنا پیدا می‌کند و معامله را بیش از پیش تقویت می‌کند. همچنین برخی اوقات نیز تاییدیه‌ها می‌توانند، با دور نگه داشتن شما از ستاپ‌های معاملاتی که کیفیت بدی دارند، از ضرر کردن شما جلوگیری کنند.

(V-Shaped Recovery) VSR

VSR مخفف "بازگشت V شکل" است. تئوری پشت علت نامگذاری VSR این است که، وقتی ما وارد یک ناحیه‌ی تقاضا می‌شویم، توقع داریم که ورود و خروج ما از ناحیه، توسط حرکت قیمتی V شکل باشد. در حالت ناحیه‌ی عرضه نیز، یک حرکت قیمتی V شکل وارونه خواهد بود. دلیل اینکه ما می‌خواهیم VSR ببینیم این است که نشان می‌دهد، این "بانک‌ها" هستند که قیمت را به داخل ناحیه آورده و از آن خارج نیز می‌کنند. این بدان معناست که در برگشت مجدد قیمت به ناحیه، ما باید با این "بانک‌ها" همسو باشیم. در اینجا چند مثال آورده شده است :



VSR صعودی یا گاوی (Bullish VSR)

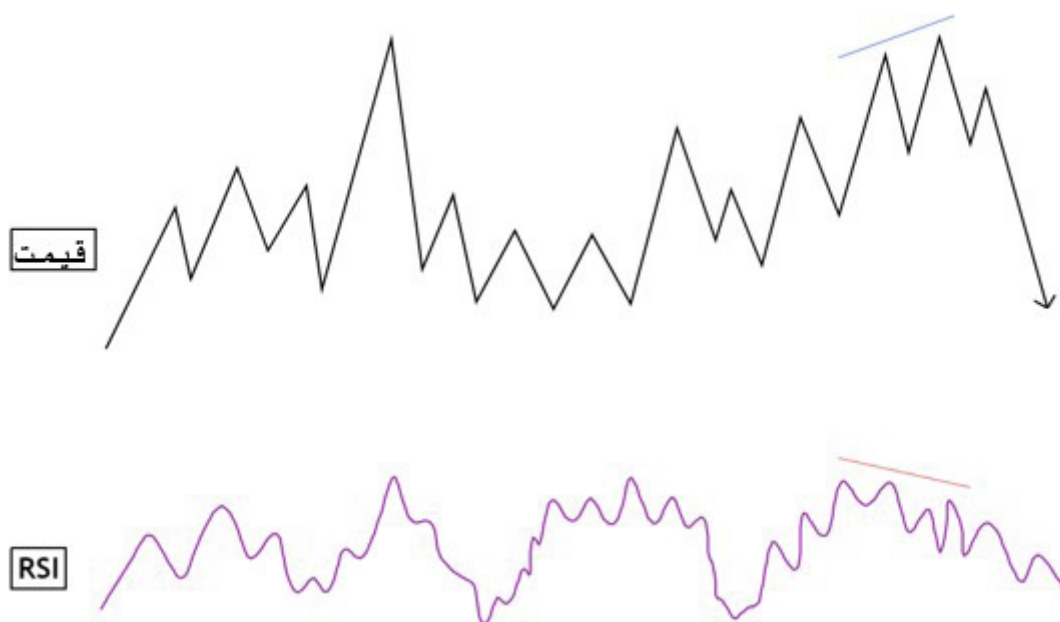


VSR نزولی یا خرسی (Bearish VSR)



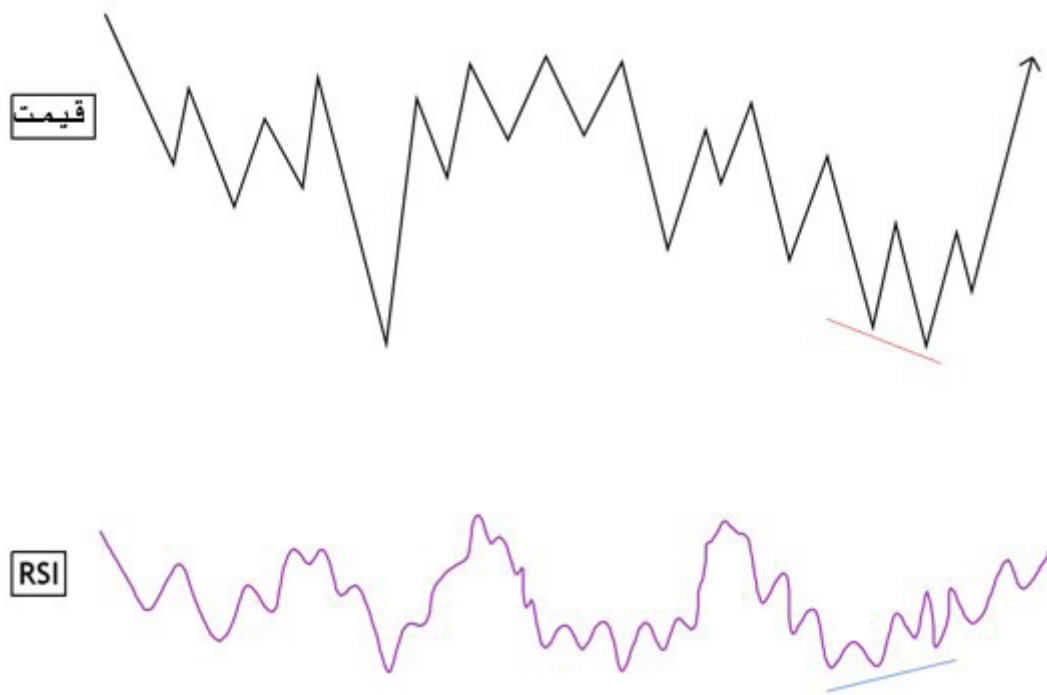
واگرایی RSI

وقتی اسم اندیکاتور RSI را می‌شنوید، شما اغلب ذهنتان به سمت این موضوع می‌رود که، معامله‌گران خرد چگونه با آن به معامله کردن می‌پردازند. این طور است که باید در زیر سطح 30% بخرید و در بالای سطح 70% بفروشید، اما در بیشتر مواقع کار نمی‌کند. اما من از RSI اینگونه استفاده نمی‌کنم. من از آن برای یافتن واگرایی استفاده می‌کنم.



به بیان ساده، واگرایی زمانی رخ می‌دهد که، قیمت در یک جهت حرکت می‌کند اما RSI در جهت مخالف آن حرکت می‌کند. در این نمودار، قیمت روند صعودی دارد اما RSI روند نزولی دارد. این بدان معنی است که ما می‌توانیم به زودی شاهد روند نزولی باشیم.





برای یک سناریوی صعودی، RSI باید به سمت بالا حرکت کند و در عین حال قیمت به سمت پایین حرکت کند. این بدان معناست که ما می‌توانیم به زودی شاهد روند صعودی باشیم. حالا بیایید به یک مثال لایو (زنده) واقعی نگاه کنیم.



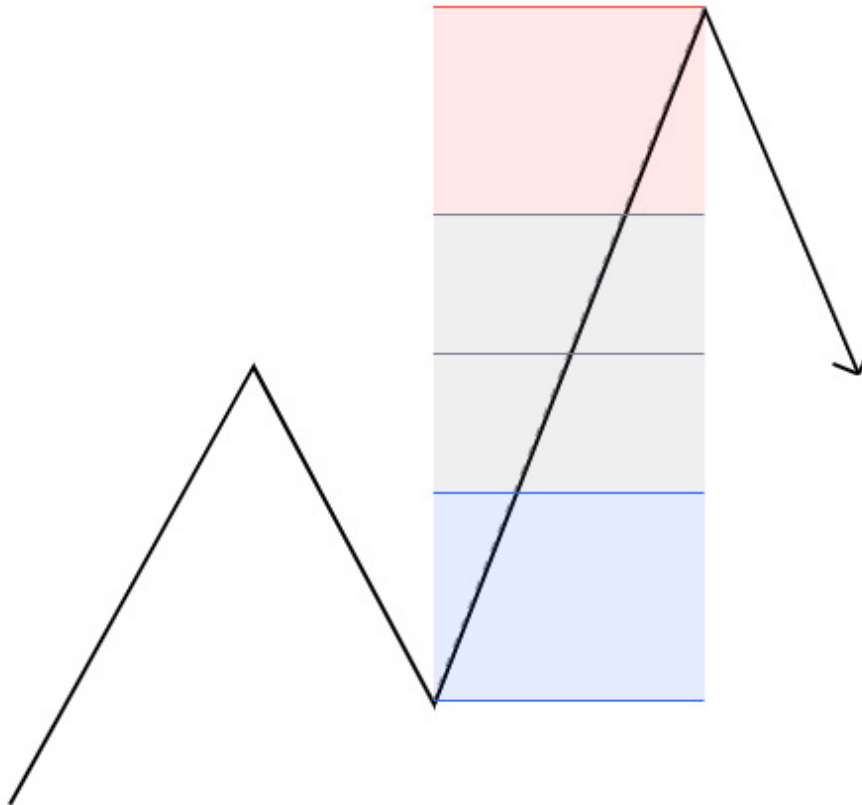
در مثال بالا ما می بینیم که در حال معامله کردن در یک ناحیه ی عرضه ی HTF هستیم. ما می بینیم که قیمت به وضوح در حال افزایش و بالا رفتن است اما RSI در حال کاهش و پایین آمدن می باشد. سپس ما به یک CHoCH و یک ناحیه ی فلیپ عرضه/تقاضا می رسیم. اکنون ما می توانیم سفارش خود را با حد ضرر (SL) بالای ناحیه ی عرضه ای که در فلیپ ایجاد شده، قرار بدهیم.



قیمت در ناحیه ی عرضه معامله می شود و سپس به سمت کف ضعیف که در طرف چپ نمودار قرار دارد حرکت می کند، و خود را در نهایت به حد سود (TP) 9.6R می رساند.

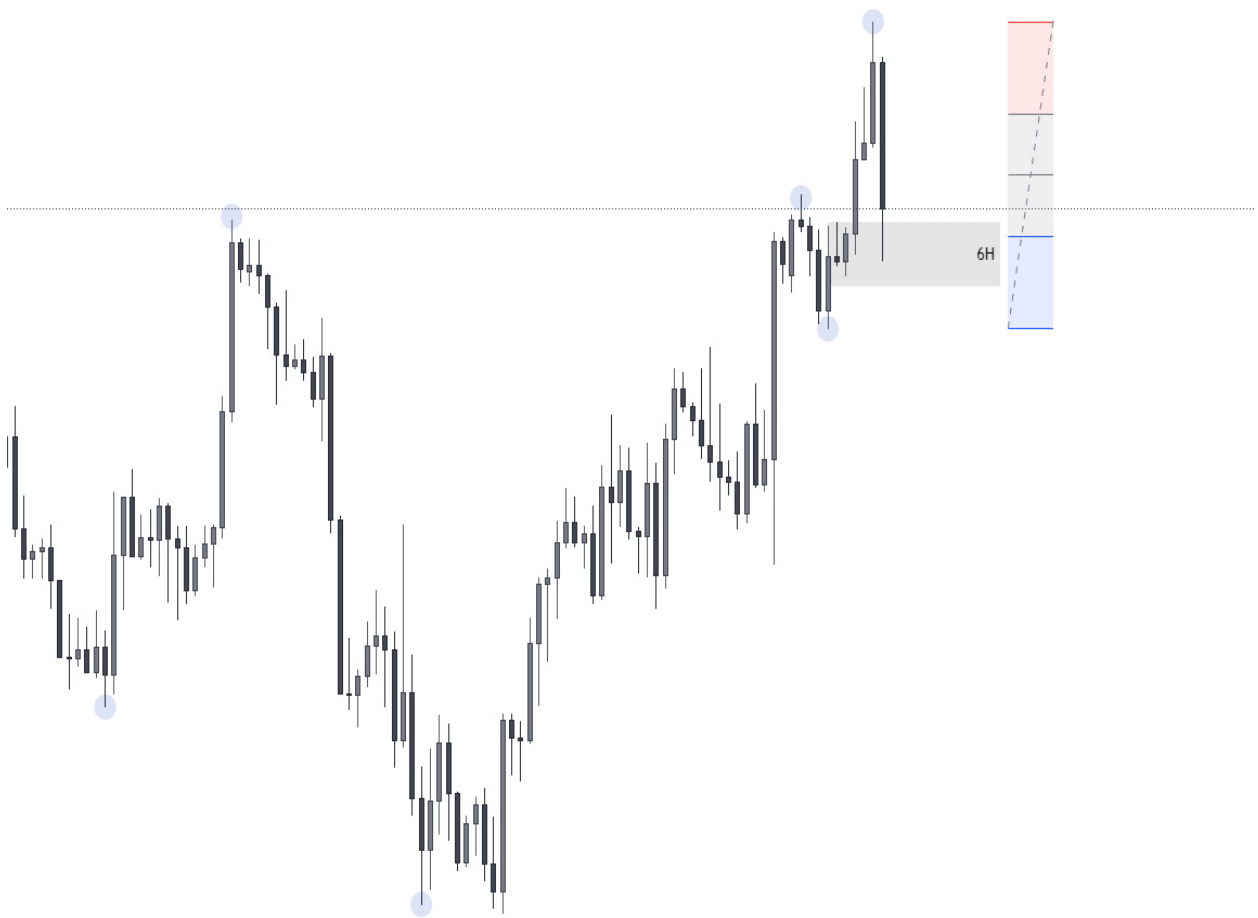
پريميوم و ديسكانت (Premium & Discount)

موضوع بعدی که دوست دارم از آن به عنوان همپوشانی (مترجم: فاکتورهای دیگری که در تایید معامله‌ی ما و جهت آن می‌باشند) استفاده کنم، ابزار فیبوناچی می‌باشد. در حال حاضر بازهم من از آن طوری استفاده نمی‌کنم که معامله‌گران خرد از آن استفاده می‌کنند، بلکه به این خاطر استفاده می‌کنم که ببینم کجای ساختار گام تایم فرم 4H یا تایم فرم 15m قرار دارم.



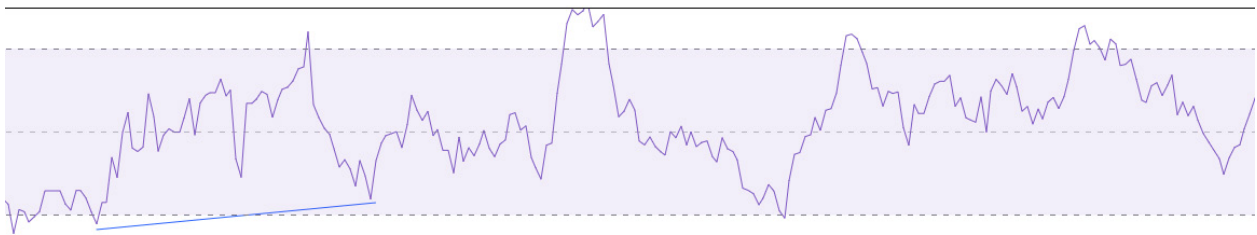
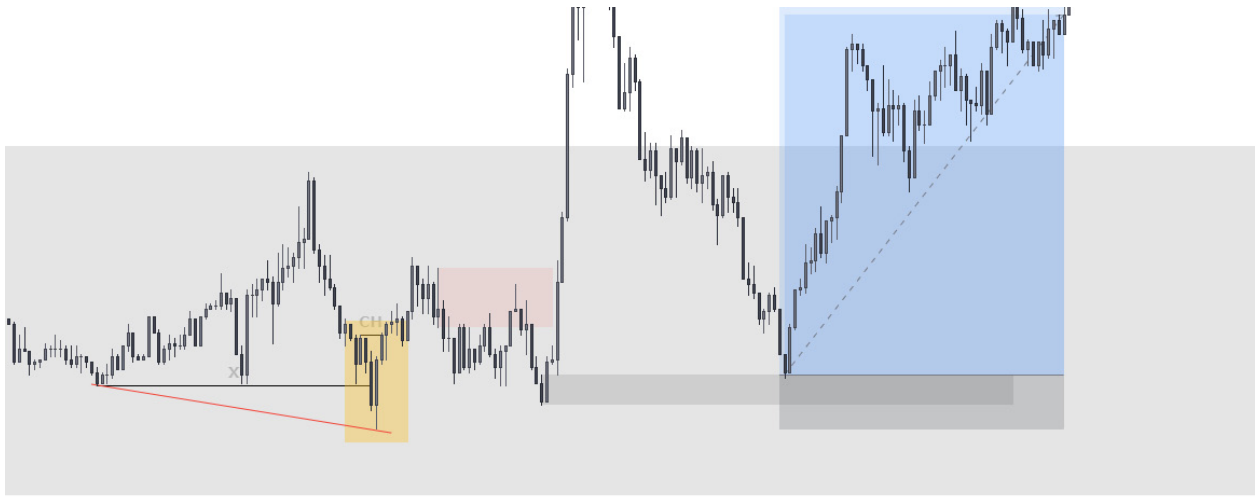
به عنوان مثال، بگوییم که ما در تایم فرم 4H روند صعودی داریم و شروع به پولبک زدن می‌کنیم، سپس من فیبو را از ساختار سقف بازار به کف آن اضافه می‌کنم، تا ببینم در کجای گام حرکتی قیمت هستیم. قسمت قرمز به این معنی است که قیمت در عمیق‌ترین بخش پريميوم قرار دارد و جای خوب و مناسبی برای فروش است، و بالعکس قسمت به رنگ آبی به این معنی است که ما در عمیق‌ترین بخش ديسكانت هستیم و جای خوب و مناسبی است که به دنبال فرصت‌های خرید باشیم. شما نباید در بخش رنگ قرمز خرید کنید و در بخش رنگ آبی بفروشید، زیرا قیمت می‌تواند به راحتی بیاید و با یک حرکت بزرگ شما را در قالب نقدینگی از بازار خارج کند. برای من خرید و فروش در منطقه‌ی خاکستری مشکلی ندارد، اما هر چه به مناطق انتهایی دو بخش قرمز و آبی نزدیک‌تر می‌شوید، انجام کاری مخالف رنگ‌ها خطرناک‌تر می‌شود.

بیایید به یک مثال لایو (زنده) واقعی نگاه کنیم :

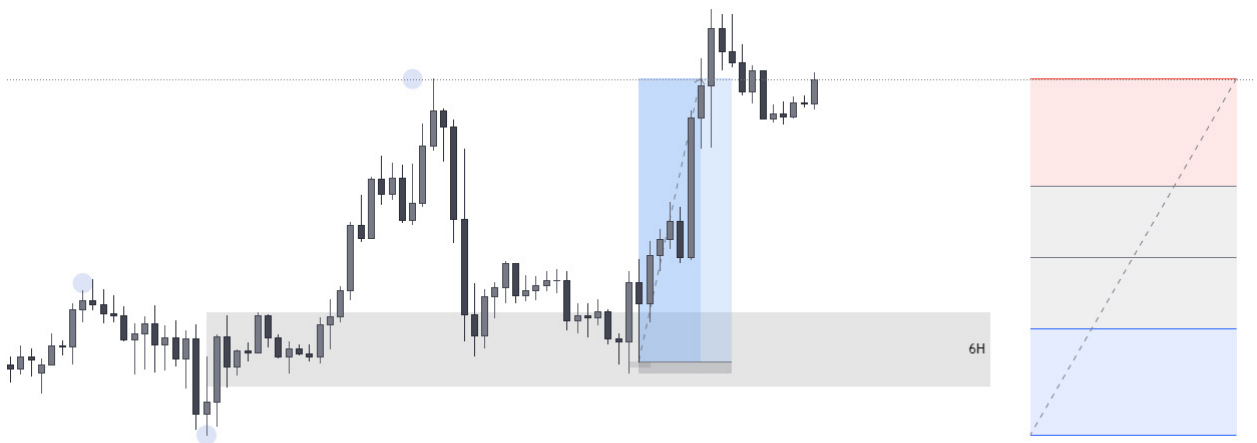


در اینجا، ما در تایم فرم 4H روند صعودی داریم و شروع به پولبک زدن می‌کنیم. قیمت به داخل یک ناحیه‌ی تقاضای تایم فرم بالاتر (HTF) کشیده می‌شود، که با ناحیه‌ی دیسکانت آبی فیبو نیز مطابقت و همپوشانی دارد. در اینجا، اکنون ما می‌توانیم به دنبال ستاپ معاملاتی در تایم فرم پایین (LTF) باشیم.





در اینجا ما یک CHoCH و سپس یک ناحیه‌ی فلیپ عرضه/تقاضا داریم. همچنین یک حرکت VSR و واگرایی در RSI نیز وجود دارد. بر اساس موارد مذکور و ناحیه‌ی دیسکانت آبی، ما می‌توانیم وارد یک معاملاتی لانگ (خرید) شویم.



قیمت سقف ضعیف را هدف قرار داده و به حد سود (TP) 25R می‌رسد.



نحوه مدیریت معامله

اکنون که در یک معامله هستید، باید بدانید که چگونه آن را مدیریت کنید. اگر هر چیزی مدیریت تجارت مهمتر از ورود به تجارت است. اگر تنها یک چیز مهم باشد، آن چیز فقط مدیریت معامله است که حتی بسیار بسیار مهمتر از چگونگی ورود به معامله نیز می‌باشد. مدیریت معامله به شما کمک خواهد کرد تا زیان خود را سریعاً و به هنگام کاهش دهید، و

همچنین شناسایی کنید که کجا پول خود را از بازارها خارج کنید.

اولین قدمی که من برای مدیریت یک معامله و ریسک خود انجام می‌دهم این است که، فقط از ریسک 0.5% در ورود به هر معامله استفاده می‌کنم. برای انجام دادن این کار می‌توانید از یک EA یا یک ماشین حساب ریسک در وب سایت‌های موجود داخل اینترنت استفاده کنید. در اینجا چند سایت خوب برای استفاده وجود دارد :

<https://www.myfxbook.com/forex-calculators/position-size>

<https://www.babypips.com/tools/position-size-calculator>

<https://www.cashbackforex.com/tools/position-size-calculator>

من شخصاً از EA استفاده می‌کنم. EA (Expert Advisor) مخفف اکسپرت مشاور است. کاری که همه‌ی اکسپرت‌های مشاور انجام می‌دهند این است که، اندازه‌ی لات را در پلتفرم MT4/5 (متاتریدر ۴ یا ۵) محاسبه می‌کنند. برای استفاده از آن تنها کاری که باید انجام دهم این است که، ریسک معامله‌ی خود، قیمت نقطه‌ی ورود به معامله و قیمت حد ضرر آن را وارد کنم، سپس اکسپرت اندازه لات من را بر اساس ریسک من محاسبه می‌کند. شما می‌توانید این اکسپرت‌ها را از اینجا تهیه کنید :

<https://www.magickeys.trade/home.html>

شکل بعدی مدیریتی که من انجام می‌دهم این است که، معامله‌ام را فری ریسک می‌کنم. اکثر معاملات بهتر است زمانی که آخرین سقف قیمتی می‌شکند، ریسک فری شوند. من متوجه شده‌ام که وقتی این کار را انجام می‌دهید، ممکن است قیمت مجدداً به سمت نقطه‌ی ورود شما برگردد و سپس به سمت هدف شما شلیک شود. برای جلوگیری از خارج شدن از معامله، من دوست دارم 20% از حجم معامله‌ی خود را در سود 4R ببندم. این کار آن میزان مبلغی را که اگر قیمت بیاید و حد ضرر (SL) را بزند از دست خواهیم داد، برای من پوشش می‌دهد.

آخرین قطعه‌ی مدیریتی که من انجام می‌دهم این است که، در سود 10R بخشی از معامله را می‌بندم. اگر هدف معامله‌ی من سودی بیش از 10R باشد، دوست دارم مقداری از سودهایم را قبل از رسیدن به هدف اصلی حفظ کنم. به این ترتیب، اهمیتی ندارد اگر حرکت قیمت معکوس شود و در خلاف جهت معامله‌ام حرکت کند، چرا که من مقداری پول از معامله به



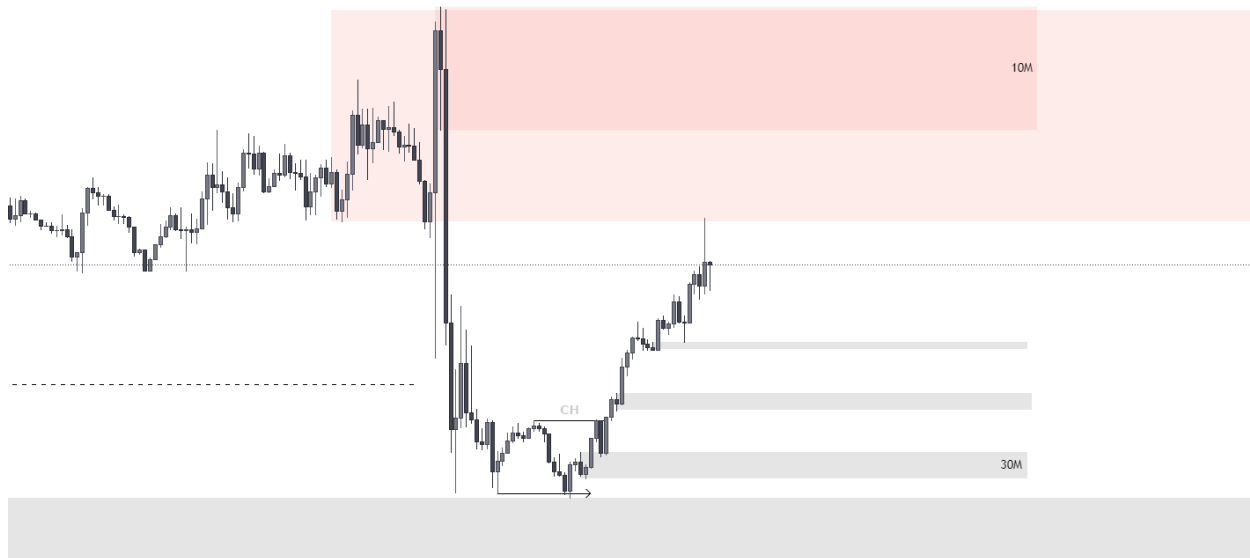
دست آورده‌ام. میزان درصدی که از بستن بخشی از معامله به دست می‌آید، به روندی که معامله در آن گرفته شده است بستگی دارد. اگر ما در پیش روند (مترجم: پیش روند یا Pro Trend قسمت ابتدایی روند اصلی است) باشیم، و به سود 10R برسیم، من 50% از معامله‌ام را خواهم بست. این به این دلیل است که حرکتهای پیش روند باید کفهای جدید را پاکسازی کنند و من شخصاً می‌خواهم بخشی از آن باشم. از سوی دیگر، اگر ما در حال حرکت کردن در خلاف جهت روند باشیم، کار بستن بخشی از معامله‌ی خود را بسیار سریعتر و بی‌درنگ انجام می‌دهم، زیرا هر لحظه ممکن است به روند اصلی تغییر جهت دهیم. وقتی داخل معامله‌ی خلاف جهت روند اصلی هستیم، من 80% از معامله‌ام را در سود 10R خواهم بست.

نمونه‌های معامله

حالا که ما اجزای مختلف نحوه‌ی معامله کردن را یاد گرفته‌ایم، باید بدانیم که چگونه همه‌ی آنها را کنار هم قرار بدهیم، و در اینجا چند نمونه از اینکه چگونه ایده‌های معامله را چارچوب بندی می‌کنم، آورده شده است.

مثال ۱



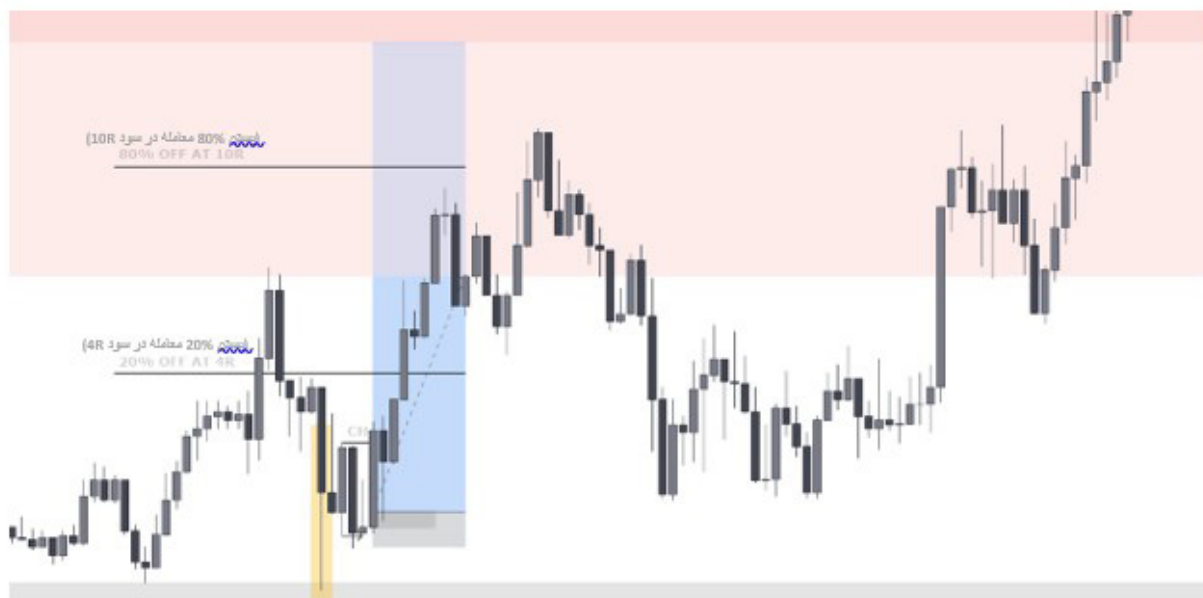


اینجا قیمت در یک روند نزولی قرار دارد، و همچنین به تازگی یک BOS ساخته شده است، بنابراین ما می‌توانیم انتظار یک پولبک را داشته باشیم. یک ناحیه‌ی تقاضای 4H نیز وجود دارد که باید قیمت وارد آن شود تا ما بتوانیم به دنبال انجام یک معامله در آن باشیم.

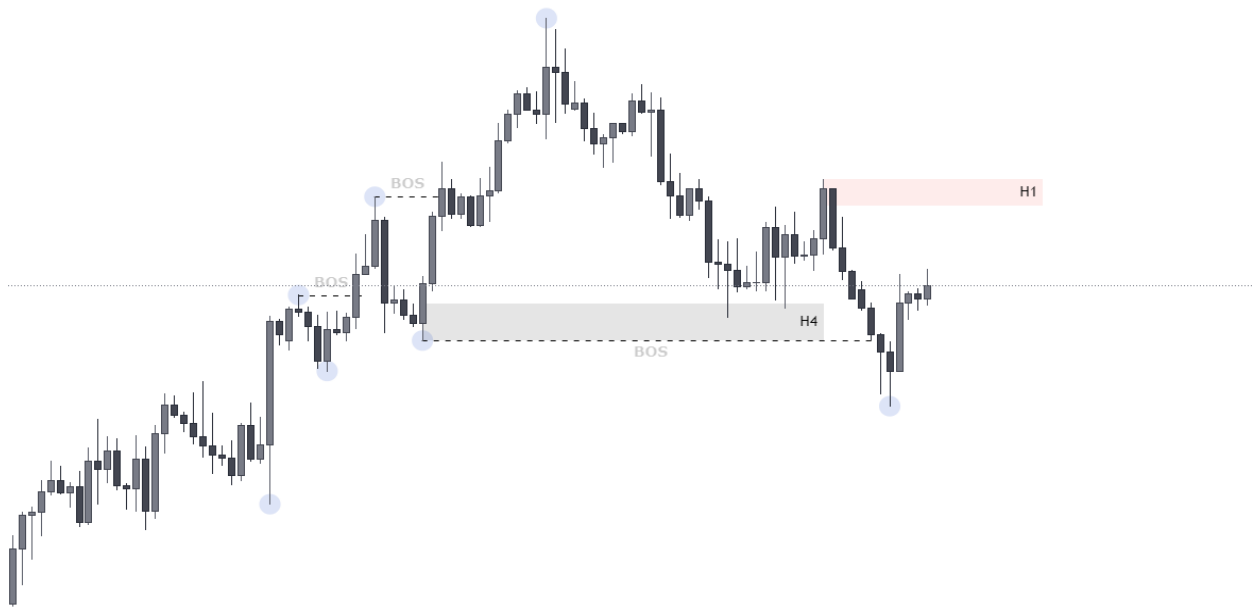
قیمت در تایم فرم 15m و در سشن آسیا، یک CHoCH ایجاد کرده است و اکنون در حال حرکت به سمت بالا می‌باشد. من برخی از نواحی تقاضا را مشخص می‌کنم و منتظر می‌مانم تا ببینم قیمت به آنها چه واکنشی نشان می‌دهد.



در پی اینکه یک حرکت VSR خوب می‌بینم، من اکنون به دنبال یک روش ورود به معامله هستم. ادامه‌ی این حرکت به یک CHoCH ختم می‌شود و من سفارش معامله‌ی خود را در ناحیه‌ی تقاضایی که CHoCH را ساخته است قرار می‌دهم، و حد ضرر (SL) خود را نیز درست زیر آن ناحیه‌ی تقاضا می‌گذارم. از آنجا که این یک معامله‌ی در خلاف جهت روند است، من 80% معامله‌ی خود را در سود 10R خواهم بست.



سپس قیمت من را وارد معامله می‌کند و به سمت حد سود (TP) می‌رود. در اینجا می‌توانید ببینید که چگونه بستن بخشی از معامله در سود 10R می‌تواند از نظر ذهنی به شما کمک کند، زیرا قبل از وقوع پولبک، شما از سودهای خود محافظت کرده‌اید.



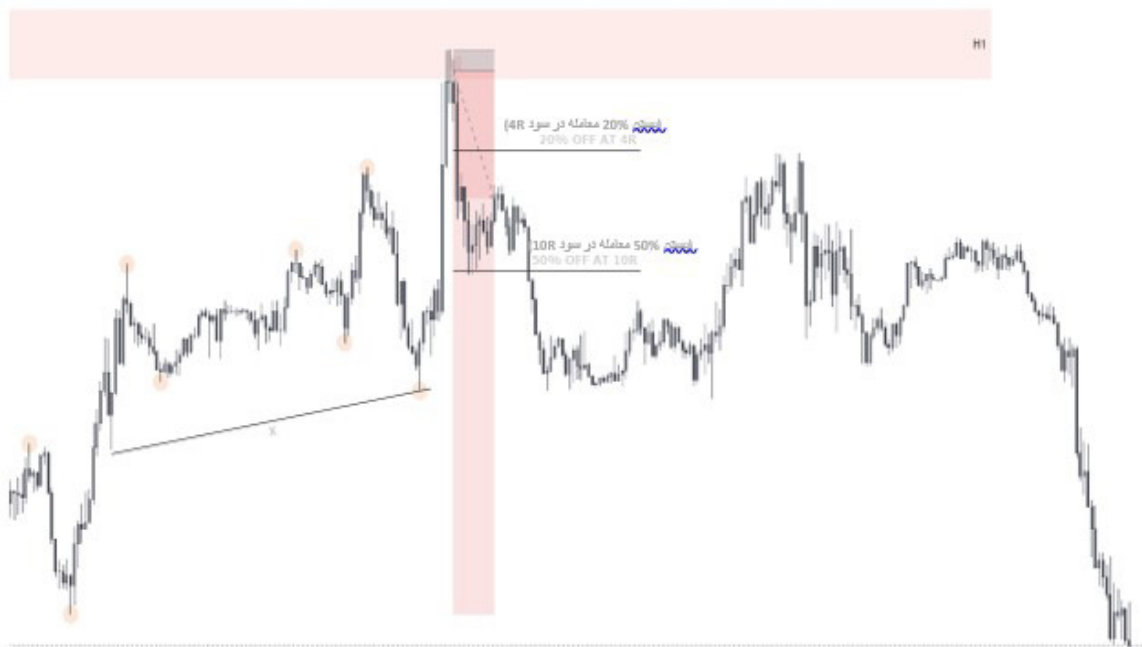
اینجا قیمت به تازگی در تایم فرم 4H یک ناحیه‌ی فلیپ ایجاد کرده است. من می‌خواهم در آن ناحیه‌ی فلیپ معامله کنم. من ناحیه‌ی عرضه را در تایم فرم 1H ریفاین (بهینه‌سازی) می‌کنم و بعد از آن منتظر می‌مانم تا قیمت به آن برسد.



سپس قیمت به آن می‌رسد و نقدینگی خط روند را در تایم فرم 15m زیر قیمت ایجاد می‌کند.



در تایم فرم 1m، ما تشکیل واگرایی RSI و سپس یک CHoCH و فلیپ را مشاهده می‌کنیم. برای من این یک ستاپ معاملاتی با کیفیت است، که هر روز آن را انجام خواهم داد.



از آنجایی که ما در جهت روند اصلی هستیم، هدف قرار دادن کف‌های تایم فرم 4H کار درستی می‌باشد. من همچنین فقط 50% معامله‌ام را در سود 10R می‌بندم و به مابقی آن اجازه می‌دهم تا کف ضعیف تایم فرم 4H حرکت کند.



گزینه‌های تامین مالی و اینکه باید بدانید چه زمانی آماده هستید.

برای برخی افراد، تهیه کردن مقدار زیادی پول به منظور معامله کردن، می‌تواند دشوار باشد. در گذشته این تنها راه معامله کردن بود، اما امروزه می‌توانید با پول شرکت‌های دیگر نیز معامله کنید. این شرکت‌ها، شرکت‌های پشتیبانی یا پراپ فرم (Prop Firm) نامیده می‌شوند و در صورت قبولی در آزمون، به شما اجازه‌ی معامله کردن با پولشان را می‌دهند.

اصلی‌ترین موردی که من شخصاً با آن معامله می‌کنم، FTMO است. به نظرم اینها بهترین هستند و به شما اجازه می‌دهند، تا سقف 400 هزار دلار با سرمایه‌ی آنها معامله کنید. آنها همچنین تقسیم سود خوب 80/20 دارند، به این معنی که شما 80% از آنچه را که تحت عنوان سود می‌سازید را دریافت می‌کنید.

آنها در وب سایت خود، گزینه‌ای برای ثبت نام آزمایشی رایگان دارند. من شخصاً معتقد هستم، قبل از انجام یک چالش واقعی باید حداقل ۲ مورد از آنها را پشت سر بگذارید.

با این حال، قبل از اینکه حتی در مورد انتخاب یکی از آنها فکر کنید، شما باید سودآور باشید. من می‌بینم که معامله‌گران زیادی می‌خواهند یکی از آنها را انتخاب کنند، اما هفته‌های سود ده و برنده‌ی ثابتی نداشته‌اند (مترجم: به سود دهی ثابت و مستمر نرسیده‌اند). پس از رسیدن به این سطح، سراغ آن بروید. برای راهنمایی در مورد اینکه کدام یک را انتخاب کنید، من شخصاً فکر می‌کنم که می‌توانید تمام وقت با یک حساب FTMO با سرمایه 50 هزار دلاری معامله کنید، اما فقط از آنچه که توانایی و ظرفیت از دست دادنش را دارید، استفاده کنید.





برای مطالب بیشتر به کانال ما مراجعه کنید

@TOBEATRADER

@IAMICTFX

